

## سخن ثبوتی در دیدار با رییس جمهور

۱۳۹۱/۱۲/۲۲

جناب آقای رئیس جمهور

بنده همیشه خداوند متعال را شاکر بوده‌ام که در کشوری زندگی می‌کنم که برای تأمین استقلال و امنیت آن به هیچ بیگانه‌ای نیاز نیست. ولی داشتن این موهبت سبب نمی‌شود که وضع بهتری آرزو نکنیم و در طلب آن از نارسائی‌هایمان سخن نگوئیم.

تخصص من مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیست. ولی به مقتضای کنجکاوی معلمی، نکاتی از خصوصیات فرهنگی‌مان و انعکاس اجتماعی آن به نظرم رسیده است و می‌خواهم با روی کاغذ آوردن آن‌ها افکارم را مدون کنم.

اگر در بین خودمان نظرخواهی کنیم که چگونه قومی هستیم، به طور آماری به این نتیجه خواهیم رسید که آدم‌های با هوش، فهیم و صاحب سجایای اخلاقی کریمه هستیم. از گذشته‌های دور فرهنگ ساز بوده‌ایم. در عرصه‌های اندیشه: مکاتب دینی و مذهبی و فلسفی و عرفانی آفریده‌ایم. در بسیاری از مقوله‌های ادب و هنر و صنعت در دنیا سر آمد بوده‌ایم. امپراطوری‌ها بوجود آورده‌ایم و نظام‌های حکومتی در مقیاس جهانی تأسیس کرده‌ایم. در طول تاریخ طوفان‌های مهیب از سرگذرانده‌ایم. ولی فرهنگ سخت جانی داریم و هویت خود را از دست نه داده‌ایم. بالاتر از همه دستورات حضرت باری تعالی و تعلیمات رسول اکرم و ائمه اطهار را بهتر از دیگران فهمیده‌ایم و عمل می‌کنیم و در صراط مستقیم هستیم. تنها مشکل‌مان این است که در گذشته جباران خودی و در حال حاضر جباران جهانی نه‌گذاشته‌اند و نمی‌گذارند که برابر انصاف از مواهب این دنیا بهره‌مند شویم و پیش برویم.

در مورد بقیه دنیا، مخصوصاً غرب، اجماع نظر داریم که در حال حاضر در علم و صنعت پیش رفته هستند. ولی از نظر اخلاقی بی‌بند و بار، از نظر مادی‌گری بی‌بدیل، از نظر استثمار و استعمار بی‌رحم‌اند و حد و مرز نمی‌شناسند. محصولات صنعتی و دانش‌های دنیائی‌شان چشم پوشیدنی نیست. ولی از سیاست و اخلاق و روش‌های اجتماعی و حکومتی و اندیشیده‌های معرفتی دیگرشان باید دوری جوئیم. به هوش باشیم که از جنبه‌های مادی و معنوی مورد تهاجم و تجاوز قرار نه‌گیریم.

کم و بیش از یکصد و پنجاه سال پیش که با غرب و مظاهر قدرت و صنعت و علم آن آشنا شده‌ایم، با نحوه تفکری که در بالا به اجمال ترسیم شد کلنچار رفته‌ایم. گوشه‌های مختلف آن را ساخته و پرداخته‌ایم. برای ایرادهای احتمالی آن

جواب آماده کرده‌ایم. و مآلاً خودمان را قانع کرده‌ایم که درست می‌اندیشیم. باید مواظب بیگانه و باگانه باشیم که فساد نه‌کنند و حقوق‌مان را پای‌مال نه‌سازند. فرهنگی ساخته و پرداخته‌ایم که در آن اصل بر بی‌اعتمادی است. افراد علی‌الاصول مظنون و مشکوک‌اند. هر کس باید مواظب باشد که نه فقط دیگران سرش کلاه نگذارند، بلکه بنا به تکلیف شرعی و وظیفه اخلاقی و اجتماعی از ارشاد دیگران و جلوگیری از گفته‌ها و کرده‌های ناشایست‌شان هم کوتاهی نه‌کند.

حالا به بینیم با چنین زمینه ذهنی و پندار جمعی کدام نظم اجتماعی و نظام مدیریتی و حکومتی طراحی کرده‌ایم، به آن خو گرفته‌ایم و اطمینان یافته‌ایم که ما را به صلاح و نجات راه خواهد برد؟

قانون به عنوان مجموعه قراردادهائی که یک جامعه یا نمایندگان آن تدوین کنند و افراد خود را ملزم به مراعات آن بدانند یک مفهوم غربی است. ابزار مدیریت سنتی در جوامع ایرانی و همانندهای آن احکام حکومتی یا احکام شرعی بوده است. در صدر مشروطیت و کمی پیش از آن به هر دلیل و پندار موجه یا غیر موجه تصمیم گرفتیم که روش‌های حکومتی متعارف مان بازدارنده است. در جستجوی الگوهای نو سراغ اروپا رفتیم. برای انواع مسائل اجتماعی اساسنامه، قانون، مقررات، بخش نامه، متحدال‌مال و غیره از کرده‌ها و اندیشیده‌های آن‌ها نسخه برداری کردیم. ولی به نظر می‌رسد در تطبیق آن‌ها با راه و رسم زندگی مالوف و مانوس مان زمینه ذهنی عدم اعتماد به دیگران را وجه غالب قرار دادیم. نظارت مستمر، حساب‌رسی، تحقیق و تفحص را اصل گرفتیم. و این که انسان متوسط خدا آفریده معقول فکر می‌کند و معقول عمل می‌کند و لازم است برای انجام فرایض مدنی و شخصی فرجه داشته باشد فراموش مان شد. به این ترتیب نظام مدیریتی‌ای ابداع کرده‌ایم که در آن اقلماً دو سوم نهادهای مدنی و حکومتی بر یک سوم دیگر نظارت می‌کنند که کارها درست انجام گیرد. بالطبع دو سوم وقت، توان ذهنی، نیروی انسانی، و منابع مالی نیز در همین راه صرف می‌شود. شاهد ادعا را از ساختار نهادهای عمومی، قانون‌های بودجه و آمارهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی می‌آورم.

۱- سیاهه نهادهائی که صد در صد وظیفه نظارتی دارند.

الف) نهادهای ناظر بر امور مالی و اقتصادی اعم از دولتی و غیر آن

- نظام ذی‌حسابی، ناظر بر دخل و خرج‌های دولتی،
- سازمان حساب رسی و نظارت بر شرکت‌های دولتی، ناظر بر دخل و خرج‌های شرکت‌های دولتی،
- دیوان محاسبات، ناظر بر دخل و خرج‌های دولتی،
- سازمان بازرسی کل کشور، ناظر بر .....

- دفاتر تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی، ناظر بر .....
- مهندسين مشاور، مهندسين ناظر و عالی (نهاد غير دولتی)، ناظر بر .....

ب) نهادهای ناظر بر امور امنیتی و حقوقی

- وزارت اطلاعات، برای یافتن ناخلفها و نادرستهای داخلی و خارجی
- وزارت دادگستری، برای قضاوت در مورد ناخلفها و نادرستها
- نیروی انتظامی با تمام شعبات آن نظیر راهنمایی و رانندگی، دفاتر اتباع خارجی، گذرنامه و غیره، برای حراست از جامعه در مقابل ناخلفها و نادرستها

ج) نهادهای ناظر بر قانون‌گذاری

- شورای نگهبان، ناظر بر مجلس شورا و مجلسیان
- مجمع تشخیص مصلحت، ناظر بر مجلس و شورای نگهبان
- دفاتر تحقیق و تفحص مجلس، ناظر بر هر گونه عمل کرد همه نهاد دولتی و غیر دولتی

د) نهادهای ناظر بر اخلاق و رفتار اجتماعی و فردی جامعه

- وزارت ارشاد، ناظر بر نشریات و تولیدات فرهنگی و رسانه‌های جمعی اعم از نوشتاری، گفتاری، دیداری، شنیداری،
- ستاد ائمه نماز جمعه، ناظر بر .....
- دفاتر حراست در تمام نهادهای دولتی، ناظر بر .....
- نماینده‌گی‌های رهبری در دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی، ناظر بر ....
- ستاد مبارزه با منکرات ، ناظر بر.....

۲-سیاهه نهادهایی که بخشی از وظایف آنها نظارتی است

- ستاد نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، برای نظارت فنی در هزینه‌ها و عملیات عمرانی (۵۰٪ نظارتی)
- وزارت کشور شامل استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها، برای نظارت عمومی و نظارت بر شوراهای اسلامی شهرها و روستاها (۵۰٪ نظارتی)

و بالاخره کم و بیش سی در صد از وظایف هر وزارت خانه یا اداره که در این جا ذکر نشد به امر نظارت اختصاص دارد. سازمان‌های ناظر بر بهداشت اماکن عمومی، محیط زیست، استانداردها، جنگل بانی، شکار بانی و نظایر آن‌ها در این مقوله قرار می‌گیرند.

دوباره به برداشت اجتماعی مان از قانون برگردم. اینکه مردم ذاتاً درست کاراند و قانون تنها راهنما برای انجام منظم و معقول امور است کمتر ذهن فرد ایرانی، اعم از مسئول یا غیر مسئول، را مشغول می‌کند. برداشت کلی بر این است که قانون برای مچ‌گیری است و اگر نه باشد همه نادرست عمل خواهند کرد. تالی فاسد چنین تفکر جرم اندیشانه مصیبت بار بوده است. مسئولین وظیفه خود را در دستور دادن به افراد پایین دست و دستور گرفتن از مسئول کلان‌تر از خود دیده‌اید. مجالی برای ابتکار عمل به دیگران نه داده اند و خود نیز مجالی برای ابتکار عمل نه داشته‌اند. و در هر حال قسمت اعظم توان مدیریتی و مالی و فکری انسان‌ها حیف شده است و می‌شود. افراد همیشه خود را در مظان لغزش دیده‌اند و احیاناً افراد ضعیف‌الاراده به همین جهت نیز سوق داده شده‌اند. اعتماد به نفس در افراد به وجود نیامده است.

در چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور پیش‌بینی شده که ایران در منطقه خاورمیانه و آسیای میانه بزرگترین قدرت اقتصادی، صنعتی و نظامی باشد. نهادها و برنامه‌هایش دانش پایه باشند. نظام حکومتی و اجتماعی آن چنان نمودی در خارج از مرزها داشته باشد که دیگران از آن الگو بگیرند. چنین آرزویی برآورده شدنی است و دور از دسترس نیست. ولی مشارکت همه مردم را می‌طلبد و لازمه این مشارکت تحول فرهنگی بنیادی در جامعه ایران در تلقی از انسان است. انسان متوسط درست‌کار است. قدرت تشخیص دارد. به شرط داشتن فرصت و فرجه، خلاق و مبتکر است. قوانین برای فرصت دادن به چنین انسان‌ها باید تلخیص و از نو نوشته شوند و نهادهای مدنی و حکومتی متناسب با چنین تفکر جراحی و بازسازی بنیادی شوند. افراد نادرست و خلاف اندیش در هر قومی اندک‌اند. قوانین، برای کنترل این گروه اندک، نباید چنان طول و عرضی داشته باشد که دست و بال اکثریت متوسط الحال را به بندد. شمار نخبگان، نابغه‌ها، پهلوانان و قهرمانان هر ملتی هم اندک‌اند. اینان می‌توانند گلیم خود را از آب بیرون به‌کشند. ضرورتی ندارد که به بهای فراموش شدن انسان‌های متوسط، هم و غم خیرخواهان معطوف این شمار اندک شود.

سخن آخر:

امید هر جامعه به جوانانش است. توانمندسازی نسل جوان و کودک باید اولین اولویت هر جامعه ای باشد و بیشترین سرمایه گذاری هم باید در همین راه انجام گیرد. بنده به اقتضای حرفه ی معلّمی ام با کودک و جوان و توانایی هایشان آشنایی وسیع دارم. جوانان می توانند معجزه کنند، مشروط بر این که میدان داشته باشند، و در عرصه ی دانش و اندیشه جسور و سلحشور بار بیایند. در برنامه های آموزشی دبستانی و دبیرستانی مان عیب و ایرادی نمی بینم ولی سیاست های اجرایی و امکانات مالی به راهی رفته است که آموزگاری و دبیری احترام شغلی لازم را ندارد. افراد توانا کمتر جذب می شوند. آیا خیلی مشکل است که بودجه ی آموزش و پرورش دو برابر و سه برابر آن چه که تا به حال بوده است باشد؟

در آموزش عالی علاوه بر کمبودهای مشهود فیزیکی باید به استحضار برسانم که محیط های دانشجویی مان علی الاصول عاری از نشاط است. نظارت ها و حراست های متداول جوانه های ابتکار و نوآوری و جسارت دست زدن به دست نزنده ها را از جوان می گیرد. می شود به جوانان اعتماد کرد و باید اعتماد کنیم سیاست های اجرایی متولیان آموزش عالی ایرادهای بنیادین دارد.

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما به انفسهم.  
والسلام علیکم و رحمته الله و برکاته.

یوسف ثبوتی

دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان